

اخلاق

فصلنامه علمی - ترویجی در حوزه اخلاق

سال هفتم، شماره ۲۷، پیاپی ۴۹، پاییز ۱۳۹۶

صفحات ۱۱۷-۱۳۹

AKHLAGH
Religious Extension Quarterly
No.27/ FALL 2017/Seventh Year

بازنمای جامعه تربیت پذیر و شیوه‌های ارتقای آن

مریم کیان*

چکیده

جامعه تربیت پذیر، از جمله جامعه دینی، برای بقای خود نیازمند است هنجارهای اخلاقی و دینی را به نسل جدید منتقل کند. هدف پژوهش حاضر، واکاوی جامعه تربیت پذیر دینی و شیوه‌های ارتقای آن است. بنا بر ماهیت موضوع پژوهش، از روش کیفی استفاده شد. شرکت کنندگان در این پژوهش تمام کارشناسان علوم تربیتی و دینی شهر یزد بودند که با روش نمونه گیری هدفمند و رسیدن به اشباع نظری، با نه نفر از آن‌ها مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته شد. داده‌ها با روش کدگذاری باز و محوری، تحلیل و یافته‌ها از طریق سه معیار قابل قبول، قابل اطمینان و تأیید پذیر، اعتباردهی شدند. یافته‌ها نشان داد فرآیند جامعه پذیری دینی، از طریق انتقال صحیح آموزه‌های دینی، انتخاب درونی و نهادینه شدن سجایای اخلاقی و دینی در جامعه اتفاق می‌افتد. در این میان، نهادهای خانواده، مدرسه، گروه همسالان، رسانه‌ها، حکومت و نهاد روحانیت در ارتقای جامعه تربیت پذیر دینی، نقش بسیار مؤثری دارند. از سوی دیگر، عواملی نظیر سستی بنیان دینی خانواده، ناکارآمدی آموزش‌های مدرسه، تأثیرات گروه همسالان، تهاجم فرهنگی و ضعف عدالت در جامعه به تربیت گریزی دینی منجر می‌شود.

* استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه یزد.

kian2011@yazd.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۲/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۵



یافته‌ها نشان داد تقویت بنیان دینی و اخلاقی خانواده، اثربخش‌تر شدن آموزش‌های مدرسه، الگوسازی از طریق رسانه‌ها و توسعه عدالت اجتماعی می‌توانند به منزله شیوه‌های ارتقای جامعه تربیت‌پذیر دینی مؤثر باشند.

واژگان کلیدی

تربیت، جامعه دینی، کارشناسان علوم تربیتی، مصاحبه، روش پژوهش کیفی.

مقدمه

هر جامعه‌ای برای تدوام و بقای خویش به نظم و یکپارچگی نیازمند است و این امر مستلزم هم‌نوایی بیشتر اعضای آن جامعه با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده است. در این راستا، جامعه با کمک نهادها و گروه‌های اجتماعی، مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌های گروهی به جامعه‌پذیری نسل جدید می‌پردازد (زنگنه، ۱۳۸۸، ص ۳۲). از میان انواع جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری دینی مهم‌تر است. هیچ جامعه شناخته‌شده‌ای طی تاریخ بدون دین نبوده است (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۳۲۹). دین، به منزله نهادی اجتماعی با خصیصه فردی و اجتماعی، از ارزش‌ها و قواعد اجتماعی پشتیبانی می‌کند و جهت‌دهنده، مظهر قدرت جامعه و انسان، بسترساز ارتباطات انسانی و موجب ثبات و همبستگی جامعه است. ازسوی دیگر، دین ارزش‌ها را می‌آفریند، هنجارها را شکل می‌دهد، به ارزش‌های ثابت اخلاقی قداست می‌بخشد و باعث می‌شود زندگی انسان معنا دار شود (تنهایی، ۱۳۹۰، ص ۵). بر این اساس، می‌توان گفت جامعه تربیت‌پذیر، جامعه‌ای است که بر اساس ارزش‌های اخلاقی و دینی استوار باشد و به‌طور مداوم توانایی تربیت اعضای خود را برای تعالی دنیوی و اخروی توسعه دهد. همچنین، استمرار و بقای جامعه دینی در گرو این است که اعضای آن مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها و گرایش‌های موجود در جامعه را درونی کنند و به نسل‌های جدید انتقال دهند (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۷).



بدان دلیل که در کشوری اسلامی و شیعی، شناسایی ابعاد جامعه دینی از نظر تربیت پذیری می تواند زمینه ساز شکل گیری جامعه تربیت یافته باشد و همچنین به دلیل اهمیت این موضوع و کم بودن پژوهش در این زمینه، نویسنده در این مقاله بر آن است که مسئله جامعه تربیت پذیر دینی را از دیدگاه کارشناسان علوم تربیتی و دینی بررسی کند؛ بنابراین، در پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با شیوه تفسیری - تحلیلی، می کوشیم ویژگی ها، ابعاد و روش های ارتقای جامعه تربیت پذیر دینی را واکاوی و تبیین کنیم.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

«جامعه دینی» با جامعه پذیر شدن دینی افراد، به نوعی انسجام اجتماعی دست می یابد که این انسجام، عامل شکل گیری هویت جمعی، نظم، ثبات و تعادل، همبستگی اجتماعی، حفظ و تداوم حیات هویت جمعی می شود. در این راستا، «تربیت»، اهمیتی بسیار برجسته دارد. «تربیت» یعنی «شناخت خدا در جایگاه رب یگانه جهان و انسان، برگزیدن او به منزله رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدودن از ربوبیت غیر» (باقری، ۱۳۷۴، ص ۵۴). افزون بر این، «تربیت دینی و اسلامی» به معنای «امداد متربی برای يك تحول پایدار شناختی به منظور ایجاد در نگرش و گرایش و کنش وی، بر اساس جهان بینی و نظام ارزش اسلام» (شاملی، ۱۳۸۱، ص ۳) در نظر گرفته می شود.

از سوی دیگر، «جامعه دینی تربیت پذیر» یا «جامعه پذیری دینی»^۱ همان «فرآیند مستمر آموزش و یادگیری» است، با این تفاوت که این یادگیری معطوف به جهانی دینی است؛ برای مثال، انسان ها به تدریج زبان دینی را فرا می گیرند تا بتوانند مفاهیم ویژه ای همچون خدا را درک کنند. به طور کلی، جامعه پذیری دینی یعنی «پایه های اجتماعی دین» (فروتن، ۱۳۹۲، ص ۷۵)؛ به عبارت دیگر، جامعه پذیری دینی، بُعد دیگر فرآیند جامعه پذیری ذاتاً دینی است و افراد را در سال های رشد، به ویژه از کودکی، با معرفت الهی آشنا می سازد؛ لذا می توان گفت جامعه پذیری دینی شامل برخی عناصر اساسی است، از جمله:





۱. منابع جامعه‌پذیری دینی: زمینه‌ها و عواملی که فرآیند مهم جامعه‌پذیری دینی در درون آن‌ها رخ می‌دهد، مانند خانواده.

۲. محتوای جامعه‌پذیری دینی: مجموعه باورها، ارزش‌ها، اندیشه‌ها، الگوها، روابط و عناصری است که در جامعه در پیوند با گرایش‌های دینی اعضای آن جامعه شکل می‌گیرد و حیات دینی جامعه در بستر آن به وجود می‌آید.

۳. روش جامعه‌پذیری دینی: راه‌هایی که یک منبع از طریق آن‌ها سعی می‌کند دین افراد، جامعه‌پذیر شود (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۲).

درباره بررسی جایگاه و ابعاد جامعه‌دینی تربیت‌پذیر، پژوهش‌های معدودی در ایران انجام شده است؛ از جمله پژوهش غیاثوند (۱۳۸۰)، زنگنه (۱۳۸۸) و نیز پژوهش‌های سراج‌زاده (۱۳۷۵) و ملکی (۱۳۷۵). براساس این پژوهش‌ها، جامعه‌پذیری دینی به عوامل بسیاری وابسته است؛ در این میان، فرهنگ و محیط آموزشی جامعه و تحصیلات والدین بر جامعه‌پذیری دینی اثر مطلوب دارد.

به‌طور خلاصه، مرور مبانی موجود نشان می‌دهد جامعه‌دینی تربیت‌پذیر، فرآیند پیوند اعضای جامعه با گرایش‌های دینی و اخلاقی محسوب می‌شود و حیات دینی جامعه در بستر آن به وجود می‌آید. در راستای جامعه‌پذیری دینی، ارزش‌ها و باورها و الگوهای رفتاری دینی و اخلاقی از طریق روابط متقابل و کنش متقابل مستقیم با افراد و گروه‌های اجتماعی، انتقال می‌یابند. در این میان، روابطی که فرد درون خانواده و جامعه دارد و همچنین رفتارهای کل جامعه، به‌طور غیرمستقیم، بر زمینه جامعه‌پذیری دینی و شکل‌گیری الگوهای رفتاری افراد جامعه تأثیرگذار است.

هدف و پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف واکاوی و تبیین جایگاه جامعه‌دینی تربیت‌پذیر دینی و شیوه‌های ارتقای آن انجام شده است. در این راستا، پنج پرسش اصلی بررسی می‌شوند:

۱) فرآیند جامعه‌پذیری دینی چگونه است؟

- ۲) جامعه تربیت پذیر دینی چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۳) عوامل مؤثر در شکل‌گیری جامعه تربیت پذیر دینی کدامند؟
- ۴) عوامل مؤثر در تربیت‌گریزی دینی جامعه کدامند؟
- ۵) برای ارتقای جامعه دینی تربیت پذیر، چه راهکارهایی را می‌توان به کار گرفت؟

روش پژوهش

در این پژوهش بنا بر ماهیت موضوع، از «روش پژوهش کیفی»^۱ استفاده شد. با این روش، توصیف غیرکمی از حوادث و گروه‌های کوچک اجتماعی با توجه به جزئیات ارائه می‌شود و برای توصیف نگرش‌ها و دیدگاه «گروه هدف» به مقوله‌های فکری آن‌ها توجه شده است (محمدی، ۱۳۸۷). برای گردآوری داده‌ها از ابزار «مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته»^۲ استفاده شد. «گروه هدف» شامل تمام کارشناسان علوم دینی شهریزد (شامل استادان معارف اسلامی-تربیتی و کارشناسان علوم دینی) بودند که با روش «نمونه‌گیری هدفمند»^۳ با نه نفر از آن‌ها مصاحبه عمیق انجام شد. اشباع نظری پس از رسیدن به مصاحبه نهم حاصل شد.^۴ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، شیوه «کدگذاری»^۵ باز محوری به کار گرفته شد. همچنین، برای تعیین اعتبار پژوهش، از سه معیار مدنظر صاحب نظران مطالعات کیفی، شامل «قابل قبول بودن»^۶، «قابلیت اطمینان»^۶ و «تأییدپذیری»^۷ (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵، به نقل از صدوقی، ۱۳۸۷، ص ۶۱) استفاده شد. برای «قابل قبول بودن» و تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهش برای شرکت‌کنندگان فرستاده شد تا موافقت یا مخالفت آن‌ها با مطالب و یافته‌های

1. Qualitative Research Method.

2. semi-structured deep interview.

3. purposeful sampling.

۴. با توجه به رعایت اصل محرمانه بودن مشخصات شرکت‌کنندگان در پژوهش‌های کیفی، از ذکر نام افراد خودداری

می‌شود؛ لذا هرکدام از آن‌ها صرفاً با نام شرکت‌کننده ۱، ۲، ۳ و... معرفی می‌شوند.

5. Credibility.

6. dependability.

7. confirmability.



پژوهش مشخص شود. برای تضمین «قابلیت اطمینان» یافته‌ها، کوشش شد فرآیندها و تصمیمات مربوط به پژوهش به‌طور مستند و واضح در متن پژوهش تشریح شود. درنهایت، برای «تأییدپذیری» نتایج سعی شد با استفاده از روش «سه‌سوسازی»^۱ میزان تأییدپذیری تعیین شود. با این روش، یافته‌ها با پیشینه پژوهش مقایسه و با استناد به بحث‌های نظری تبیین شدند. همچنین، از شیوه سه‌سوسازی پژوهشگر استفاده شد و سه نفر از پژوهشگران مطالعات کیفی، در تحلیل داده‌ها به‌کارگرفته شدند. افزون‌براین، برای حفظ منطق صریح و انسجام کلی مطالعه حاضر، به مسائلی چون انسجام هدف، پرسش‌ها و دستاوردهای پژوهش به‌دقت توجه شد و پژوهشگر دائماً آن را پیگیری کرد.

یافته‌های پژوهش

پرسش اول پژوهش: فرآیند جامعه‌پذیری دینی چگونه است؟

شرکت‌کنندگان در پژوهش، فرآیند جامعه‌پذیری دینی را به مراحل ویژه‌ای تقسیم کردند. برآیند نظرات آن‌ها نشان می‌دهد جامعه‌پذیری دینی اساساً از هماهنگ بودن آموزه‌های دینی با فطرت انسانی شکل می‌گیرد. همچنین انتقال درست آموزه‌ها و انتخاب درونی در پذیرش ارزش‌های دینی و تحول سبک زندگی در تکمیل فرآیند جامعه‌پذیری دینی بسیار مؤثر است. گفته‌های شرکت‌کنندگان در این باره درخور تأمل است:

«درواقع، جامعه‌پذیری دینی همان پذیرش مسائل اعتقادی دینی از سوی آحاد جامعه و به‌کار بستن آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است؛ به‌گونه‌ای که رفتارهای بیشتر افراد جامعه براساس آن شکل بگیرد» (شرکت‌کننده ۱).

«روش و سبک زندگی افراد در جامعه براساس برنامه‌ریزی‌ها و تدابیری است که متفکران جامعه به مردم ارائه می‌دهند. این فرهنگ و سبک زندگی را می‌توان براساس سبک تفکر آن اندیشمندان و متفکران دانست. پس، جامعه‌پذیری دینی نیز یک سبک تفکر دینی را رواج می‌دهد تا تفکر دینی عاملی برای زندگی براساس دین شود و افراد



1. triangulation.

جامعه براساس آن تربیت شوند، فکرکنند و زندگی کنند؛ یعنی دین را در متن زندگی افراد جامعه وارد کنند... نه فقط در کلیساها یا مساجد» (شرکت کننده ۲).

«درباره این مسئله که آیا منظور از جامعه پذیری دینی رابطه دین با اجتماع است و این که اصلاً دین اجتماعی است یا نه، جواب روشن است: اصلاً حیات ادیان و هدف ادیان برای هدایت مجموعه ای از افراد است. پس، هر دینی در وجود خود، جامعه پذیر است و دین بدون جامعه معنی ندارد» (شرکت کننده ۳).

«به نظر من، پذیرش ارزش ها، شعارها و نمادهای فرهنگی حاکم در جامعه دینی از سوی مردم، به طور اختیاری و از روی انتخاب، همان جامعه پذیری دینی است» (شرکت کننده ۴).

از سوی دیگر، تحلیل داده های مصاحبه ها نشان می دهد عمل به وظایف دینی و نهادینه شدن سجایای اخلاقی و دینی در جامعه از نمودهای بیرونی فرآیند تربیت پذیری دینی است. برخی از مهم ترین سخنان شرکت کنندگان به شرح زیر است:

«بدان دلیل که انسان موجودی است اجتماعی و مدنی، بالطبع ناگزیر است روند جامعه پذیری را طی کند. اگر قوانین حاکم بر گروه ها و جامعه در زمینه دینی و آسمانی ریشه داشته باشند و روح دستورات دینی از سوی جامعه پذیرفته گردد، به چنین حالتی جامعه پذیری دینی می گویند. گفتنی است در دین مبین اسلام بیش از ۹۵ درصد تعالیم، جنبه اجتماعی دارند» (شرکت کننده ۵).

«اگر طی برنامه ریزی خاص و هدفمند، مجموعه ای از قوانین و ارزش های خاص با روش های متفاوت، اعم از آموزش، تلقین، القا یا حتی اجبار، در جامعه نهادینه شود، می توان این فرآیند را جامعه پذیری نامید. حال، اگر بایدها و نبایدهای هدفمند یک دین خاص را در این قالب بگنجانیم و با همین روش آن ها را آموزش دهیم، می توان آن را جامعه پذیری دینی تعبیر کرد» (شرکت کننده ۶).

«جامعه پذیری همان پذیرش یک دین در جامعه است» (شرکت کننده ۷).

«جامعه پذیری دینی یعنی جامعه ای سرشار از معنویت باشد و افراد به وظایف خودشان، طبق چارچوبی که شرع مقدس اسلام از زبان پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام و اولیای خدا تعیین کرده است، عمل کنند» (شرکت کننده ۸).



«جامعه‌پذیری دینی به این معناست که عمل ما مخالف هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه متدینان نباشد یا به عبارت دیگر، افکار و کارهای ما براساس عقل جمعی و دینی جامعه ما باشد» (شرکت‌کننده ۹).

در مجموع، سخنان شرکت‌کنندگان در پژوهش نشان می‌دهد جامعه‌پذیری فرآیندی است که طی آن فرد با ارزش‌ها، عقاید، هنجارها، آداب و رسوم و شعائر جامعه خویش آشنا می‌شود، شیوه زندگی اجتماعی را فرا می‌گیرد و به منزله عضو از جامعه، آمادگی پیدا می‌کند تا به این قواعد عمل کند. انسان‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری یاد می‌گیرند که چگونه باید نیازهای زیستی - اجتماعی خود را به شیوه‌ای پذیرفتنی برآورده سازند. مسئولیت جامعه‌پذیری دینی عمدتاً بر عهده نهادهای اصلی مانند خانواده، مدرسه، دولت، اقتصاد و دین است. فرد در فرآیند جامعه‌پذیری دینی با معیارها، الگوها، آموزه‌ها و احکام دینی آشنا می‌شود. در این فرآیند، فرد با محتوا و معنای این معیارها آشنا می‌شود و آن‌ها را در موقعیت‌ها و تعاملات زندگی روزمره به کار می‌گیرد. جامعه‌پذیری دینی اصولاً از خانواده شروع می‌شود و در مدرسه ادامه می‌یابد. بنابراین، می‌توان مراحل فرآیند جامعه‌پذیری دینی را به شکل زیر خلاصه کرد:

جدول ۱: مراحل فرآیند جامعه‌پذیری دینی

ردیف	مراحل فرآیند جامعه‌پذیری دینی
۱	هماهنگی آموزه‌های دینی و اخلاقی با فطرت انسانی
۲	انتقال صحیح آموزه‌ها به نسل جدید
۳	انتخاب درونی در پذیرش ارزش‌های دینی و اخلاقی
۴	تحول سبک زندگی به سبک دینی و اخلاقی
۵	عمل به وظایف دینی و اخلاقی
۶	نهادینه شدن سجایای دینی و اخلاقی در جامعه



پرسش دوم پژوهش: جامعه تربیت پذیر دینی چه ویژگی‌هایی دارد؟
بر اساس آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه، جامعه تربیت پذیر دارای ویژگی‌هایی مانند
آمادگی برای تربیت عقلانی، اجتماعی، دینی و اخلاقی است و شیوه‌هایی همچون
موعظه، حکمت‌آموزی، عبرت‌آموزی، تفکر در جهان هستی و مرگ، الگوهای مثبت،
تفکر و تعقل و هدایت برای پیشبرد تربیت اخلاقی و دینی در آن رواج دارد (قوام، ۱۳۸۶،
ص ۸۵، فرم‌هینی فراهانی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۰).

در پژوهش حاضر، در پاسخ به پرسش دوم، تحلیل داده‌های مصاحبه نشان می‌دهد
جامعه تربیت پذیر دینی بر اساس آموزه‌های قرآن، سیره پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار
علیهم‌السلام پیش می‌رود. در واقع، جامعه تربیت پذیر دینی جامعه‌ای است که اعمال و رفتار
فردی و اجتماعی افراد آن بر اساس آموزه‌های دین آن‌ها اجرا شود. همچنین، افراد جامعه
به حفظ دستوره‌های دینی اهتمام می‌ورزند. به علاوه، افراد جامعه سعی می‌کنند
آموزه‌های اخلاقی و دینی را به فرزندان و نسل‌های بعد از خود آموزش دهند و اعمال ضد
دینی را ناهنجار تلقی می‌کنند. شرکت‌کنندگان در پژوهش، در این باره چنین گفته‌اند:

«جامعه‌ای که تربیت در آن بر اساس دین مبین اسلام نهادینه شده باشد، افراد آن
جامعه بر اساس این دین عمل می‌کنند. سبک زندگی افراد جامعه، اعم از خوردن،
پوشیدن، احترام به حقوق دیگران، آداب اجتماعی، تعامل با مردم و... باید ویژگی‌های
دین‌شناسی اجتماعی آن جامعه را داشته باشد تا نشان بدهد آن دین تربیت پذیر است،
نه تربیت‌گریز» (شرکت‌کننده ۲).

«هدف اصلی همه ادیان این است که انسان را به مقام قرب الهی و عبادت و بندگی
خداوند برسانند و این سلسله‌مراتبی که دین، انسان‌ها را به آن دعوت می‌کند، نوعی
تربیت جامعه برای بندگی است. پس، ویژگی اصلی جامعه تربیت پذیر دینی، اجرای
درست اصول تربیتی است که دین در این راه، معین کرده است» (شرکت‌کننده ۳).

واکاوی ویژگی‌های دیگر جامعه دینی تربیت پذیر، نکات زیادی را آشکار می‌کند.

شرکت‌کنندگان دیگر در این باره اظهار می‌دارند:





«در جامعه تربیت‌پذیر دینی، ازدواج‌ها بر مبنای سنت‌های دینی صورت می‌گیرد، تربیت فرزندان بر مبنای تربیت دینی و اسلامی است، بنیان حکومت بر مبنای ولایت است و ارزش‌های حاکم بر جامعه و قوانین اساسی بر مبنای قرآن و سنت است» (شرکت‌کننده ۴).

«تمام اجزای جامعه متشکل از خانواده و گروه‌های اجتماعی و اعضای آن‌ها به مقررات و سنن دینی (همچون دستورالعملی کامل) آگاهی دارند، آنها را باور و به فرهنگ عمومی تبدیل کرده‌اند؛ یعنی فقط به اطلاعات دینی اکتفا نکرده‌اند و بعد از باور کردن (با عبور از دو صافی عقدالعقل و عقدالقلب)، آن‌ها را به رفتار تبدیل کرده‌اند... مراحل تبدیل فکر به رفتار اجتماعی دینی عبارتند از: اطلاعات، باور کردن و رفتار اجتماعی - دینی» (شرکت‌کننده ۵).

«برای بررسی ویژگی‌های جامعه تربیت‌پذیر دینی باید عوامل متعددی را در نظر گرفت؛ برای مثال، ترکیب سنی، میزان سواد و تحصیلات افراد آن جامعه، نحوه شکل‌گیری آن جامعه، اهداف آن جامعه و... در نوع آموزش‌های تربیتی یادشده مؤثر است. این‌که آموزش‌ها و برنامه‌ریزی‌های تربیتی چه اندازه در رفتار و کردار و طرز تفکر جامعه تاثیرگذار هستند، به این عوامل و بسیاری از عوامل دیگر وابسته است» (شرکت‌کننده ۶).

«جامعه‌ای که بر پایه اخلاق‌های پسندیده‌ای چون تواضع، شرم و حیا، ترحم و مهربانی، بذل و بخشش، احسان و نیکی، احترام و اکرام، عفو و گذشت، خوش اخلاقی، امانت‌داری، راستگویی، وفای به عهد، صبر و بردباری، نصیحت و برآوردن نیازهای مردم در دایره صلح و آشتی استوار شود، جامعه‌ای است که برای تربیت دینی و همچنین برای حضور امام زمان (عج) آمادگی کامل دارد» (شرکت‌کننده ۸).

«وضعیت آرمانی این است که روح دینی بر جامعه حاکم باشد. به عبارت دیگر، توحید نظری یعنی اعتقاد به یگانگی خدا در همه مراتب و توحید عملی یعنی حاضر و ناظر دانستن خدا در همه مراحل و لحظات زندگی این تفکر، جهان‌بینی و ایدئولوژی جامعه دینی را تشکیل می‌دهد» (شرکت‌کننده ۹).

در مجموع می‌توان گفت در جامعه تربیت پذیر دینی، نهادینه شدن آموزه‌های دینی مشهود است. در چنین جامعه‌ای، «تربیت» در تمام اعضای خانواده، حکومت و کل جامعه نهادینه شده است و افراد آن جامعه براساس آموزه‌های اخلاقی و دینی رفتار می‌کنند. بنابراین، ویژگی‌های جامعه تربیت پذیر دینی را می‌توان به‌طور خلاصه چنین بیان کرد:

جدول ۲: ویژگی‌های جامعه تربیت پذیر دینی

ردیف	ویژگی‌های جامعه تربیت پذیر دینی
۱	هماهنگی رفتارهای افراد جامعه با آموزه‌های دینی
۲	حفظ آموزه‌های دینی
۳	انتقال آموزه‌های اخلاقی و دینی به نسل آینده (صداقت، تواضع، حیا، امانت‌داری، بردباری، رعایت حقوق دیگران، شعائر دینی و...)
۴	حکومت و جامعه؛ مجری درست آموزه‌های دینی
۵	نهادینه شدن آموزه‌های دینی در خانواده، حکومت و کل جامعه

پرسش سوم پژوهش: عوامل مؤثر در شکل‌گیری جامعه تربیت پذیر دینی کدامند؟
تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها نشان می‌دهد در شکل‌گیری جامعه تربیت پذیر دینی عوامل بسیاری نقش دارند؛ از جمله پذیرش دین از سوی مردم، وجود عالمان دینی متخصص و متعهد در این جامعه، برپایی حکومت دینی بر مبنای دین مبین اسلام، مهار افراط و تفریط در تمام سطوح حکومتی، فرهنگی و مذهبی جامعه.
شرکت‌کنندگان در پژوهش، عوامل خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و رهبران مذهبی را در تربیت‌پذیری دینی جامعه بسیار مؤثر می‌دانند. اظهارات برخی از شرکت‌کنندگان در این باره عبارت است از:

«تمدن و پیشینه جامعه دینی، حضور رهبران دینی مخصوصاً رهبران تأثیرگذار در جامعه، نوع ارتباط و رفتار مسئولان با مردم، خانواده و تربیت خانوادگی، نحوه آموزش و





ارائه کتب علمی و آموزشی به ویژه برای کودکان و نوجوانان، حضور مؤثر عالمان دینی در جامعه و نحوه ارتباط آن‌ها با مردم، حضور معلمان و استادان مذهبی در مراکز علمی، نوع رفتار کارمندان دولت در جامعه و رسانه‌های جمعی، در تربیت‌پذیری نقش دارند» (شرکت‌کننده ۱).

«مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری جامعه تربیت‌پذیر دینی، ارائه روش زندگی دینی است؛ یعنی فردی که در جامعه زندگی می‌کند باید بداند که دین برای ورزش، ازدواج، نماز و تمام مسائل زندگی او چه برنامه‌های مدونی دارد. همچنین لازم است کارآمدی این برنامه و ضعف برنامه‌های دیگر نیز برای او تبیین شود. در مرحله بعد باید این برنامه‌ها به درستی در جامعه اجرا شود و افراد جامعه آن‌ها را به خوبی بیاموزند» (شرکت‌کننده ۲).

«اولین عامل این است که خود دین باید اصول تربیتی درستی برای انسان داشته باشد؛ به تعبیر دیگر، اصول تربیت دینی باید با فطرت انسان‌ها مطابقت داشته باشد. عامل بعدی، آموزش درست مفاهیم تربیت دینی است. عامل آخر، خود انسان‌ها هستند که باید این اصول را با توجه به اختیاری که دارند بپذیرند. تعابیری مثل «غلبه بر هوای نفس و مبارزه با شیطان» به پذیرش این اصول اشاره دارد. (شرکت‌کننده ۳).

«عوامل مؤثر در شکل‌گیری جامعه تربیت‌پذیر دینی محیط‌ها هستند. این محیط‌ها عبارتند از: الف) محیط خانواده: اولین و مهم‌ترین عامل تربیت‌ساز که رفتارهای عینی والدین در آن بسیار تأثیرگذار است...؛ ب) گروه همسالان: شامل مهدکودک‌ها، مدارس و...؛ ج) اجتماع: هرکس که به دلیل پیوندهای اقتصادی، سیاسی، عاطفی و شغلی با فرد مراوداتی برقرار می‌سازد، در جنبش سازمان فکری وی سهیم است؛ د) رسانه‌ها: اکنون سهم زیادی در پرورش دینی شخصیت و تربیت دینی افراد دارند» (شرکت‌کننده ۵).

«یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری جامعه، احساس نیاز به فواید آن است و این درباره جامعه تربیت‌پذیر دینی نیز صدق می‌کند. این که اعضای جامعه آثار دین‌پذیری را در یک جامعه مشابه مشاهده کنند یا این که اصلاً فرد بپذیرد که تربیت دینی موجب پیشرفت و سعادت فرد یا جامعه خاصی شده است، می‌تواند بهترین عامل در گرایش افراد به چنین جامعه‌ای باشد» (شرکت‌کننده ۶).

کارشناسان علوم دینی که در این پژوهش شرکت کرده‌اند، بر نقش علمای دینی و مذهبی، توجه به اصل امر به معروف و نهی از منکر و ترویج سجایای اخلاقی در جامعه تأکید ویژه‌ای دارند:

«شکل‌گیری جامعه تربیت‌پذیر دینی اساساً به رهبران دینی عادل و عادل بودن حاکمان وقت و همچنین ساختارهای دینی و حکومتی مربوط می‌شود» (شرکت‌کننده ۷).

«در شکل‌گیری جامعه تربیت‌پذیر دینی، توجه به فضائلی مانند امر به معروف و نهی از منکر، انصاف داشتن، اصلاح الگو، مدارا و دوستی با مردم، عدالت، غیرت، شجاعت، حق و حقیقت، گفتار خوب، حفظ زبان، رازداری، مشورت و میانه‌روی بسیار مهم است. اگر انسان این صفات را سرلوحه کارهای خود قرار دهد، افراد جامعه به سوی او سوق پیدا می‌کنند و او با اخلاق پسندیده‌اش می‌تواند شمار زیادی از افراد جامعه را جذب کند. در نتیجه، در جامعه هر فرد خودش باید هدف‌دار زندگی کند و دلسوز جامعه نیز باشد» (شرکت‌کننده ۸).

«عواملی مانند عمل و رفتار مؤمنان، دفاع از ارزش‌های دینی به روش صحیح و تبیین درست دین از سوی مبلغان دینی، در شکل‌گیری جامعه تربیت‌پذیر دینی مؤثرند» (شرکت‌کننده ۹).

با توجه به پاسخ‌های شرکت‌کنندگان می‌توان موارد زیر را از عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری دینی برشمرد:

- خانواده: خانواده یکی از نهادهای اولیه و مهم جامعه بشری است و در زمان‌های مختلف، کارکردها و وظایف متفاوتی داشته است. خانواده، نخستین منبع یادگیری اجتماعی برای کودک است. اعضای خانواده با اجرای مراسم و آداب دینی، بر رفتار کودک خود تأثیر می‌گذارند و اعتقادات و شعائر دینی را به او منتقل می‌کنند. این خصوصیت، کم‌وبیش، در تمام جوامع دینی و غیردینی صدق می‌کند.

- مدارس و مراکز آموزشی: بعد از خانواده، مهم‌ترین نهادی که در یادگیری افراد به ویژه کودکان و نوجوانان نقشی عمده ایفا می‌کند، مدرسه است. کودک در مدرسه نوعی اقتدار



را احساس می‌کند؛ البته اقتداری رسمی و منظم در مدرسه عوامل مختلفی مانند کتب و منابع درسی، برنامه‌های مذهبی و تعامل معلم با دانش‌آموز، فضای مدرسه، سازمان‌ها و گروه‌های موجود در مدرسه بر رشد شخصیت کودک تأثیر دارند.

- وسایل ارتباط جمعی: از عوامل مهم دیگر، وسایل ارتباط جمعی است که با شمار زیادی از مردم سروکار دارد. رسانه‌ها وظیفه اطلاع‌رسانی را بر عهده دارند. تلویزیون نسبت به دیگر رسانه‌ها، مؤثرتر و مهم‌تر است. برون‌داد تلویزیون، پیام‌های سازمان‌یافته‌ای است که کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نتیجه این تأثیر، جامعه‌پذیری است.

- گروه همسالان و دوستان: گروه همسالان و اعضای آن از موقعیت اجتماعی کم‌وبیش مشابهی برخوردارند و با یکدیگر پیوندهای نزدیکی دارند. گروه‌های کودکان، هم‌بازی‌ها، دوستان و همکاران، جزو گروه همسالان به‌شمار می‌روند. در روند جامعه‌پذیری، گروه‌های هم‌سن به تدریج جای خانواده و عوامل اقتدارگرا را می‌گیرند.

- دولت و سازمان‌های سیاسی: تصمیمات و برنامه‌های دولت در عملکرد دیگر نهادهای جامعه تأثیری مهمی دارد. مبدأ بسیاری از پیام‌ها و اطلاعات فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی که از طریق رسانه‌های جمعی پخش می‌شوند، خارج از این رسانه‌ها و در میان رهبران سیاسی است.

- نهاد روحانیت: منظور از این نهاد، سازمان‌هایی است که وظیفه نشر و انتقال اصول، ارزش‌ها و احکام دینی را در جامعه به عهده دارند. این نهاد نیز نقشی مؤثر در تربیت دینی جامعه دارد.

جدول ۳: عوامل سازنده جامعه دینی تربیت‌پذیر

ردیف	عوامل سازنده جامعه دینی تربیت‌پذیر
۱	خانواده
۲	مدرسه
۳	گروه همسالان
۴	رسانه‌ها
۵	دولت / حکومت
۶	نهاد روحانیت و رهبران دینی



پرسش چهارم پژوهش: عوامل مؤثر در تربیت گریزی دینی جامعه کدامند؟
تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها نشان می‌دهد تربیت گریزی دینی، ممکن است گاهی در جامعه دینی مشاهده شود. عواملی چون سستی بنیان دینی خانواده، ضعف آموزش‌های مدرسه، تبلیغات ضد دینی رسانه‌ای، تهاجمات فرهنگی و حکومت‌داری برخلاف موازین اخلاقی و دینی، از دلایل عمده تربیت گریزی دینی به‌شمار می‌روند. سخنان شرکت‌کنندگان در این باره تأمل‌برانگیز است:

«رفتار خلاف دین مسئولان جامعه، عاملی بسیار مهم در گریز از دین‌پذیری است. دیگر عوامل مهم دین‌گریزی عبارتند از: ضعف در تربیت دینی فرزندان در خانواده‌ها و مراکز آموزشی، وضعیت اقتصادی نامناسب (مخصوصاً اگر مسئولان، دین را پایه اقتصاد جامعه قرار دهند و موفق نشوند)، تبلیغات گسترده ضد دین از سوی رسانه‌های داخلی و مخصوصاً خارجی» (شرکت‌کننده ۱).

«اگر افراد جامعه برنامه دین را ندانند و با تفکر دینی آشنا نباشند و به عبارت دیگر، دین را نشناسند یا برنامه‌های آن را کارآمد ندانند، جامعه به جامعه‌ای دین‌گریز تبدیل خواهد شد» (شرکت‌کننده ۲).

«تربیت گریز، اگر اصول دین فطری نباشد و مفاهیم تربیتی درست منتقل نشود و افراد جامعه آن را نپذیرند، جامعه‌ای دین‌گریز شکل می‌گیرد» (شرکت‌کننده ۳).

«...نبودن حاکم عادل در ممالک اسلامی، بی‌توجهی خواص و علمای دینی به تربیت افراد جامعه، بی‌بصیرتی افراد جامعه، تهاجمات فرهنگی، عدم اجرای صحیح عدالت و مفاهیم دینی در جامعه و قوانین حاکم بر آن، از دلایل دین‌گریزی است» (شرکت‌کننده ۴).

افزون بر این، داده‌های مصاحبه‌ها نشان می‌دهد عوامل دیگری مانند حکومت‌داری برخلاف سجایای دینی و اخلاقی، ضعف عدالت، شیوع فقر، دلزدگی و بدبینی به دین و عدم توجه کافی به اصل امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند در تربیت گریزی دینی جامعه مؤثر باشد:





«عوامل زیادی در شکل‌گیری جامعه تربیت‌گریز دینی مؤثرند: عوامل فردی یا درونی، مانند عملکرد ضعیف افراد و همچنین متولیان تربیت، سستی بنیان خانواده‌ها، عدم آگاهی دینی، ترجیح مصالح خوداندیشیده؛ عوامل اجتماعی یا محیطی، چون وضعیت فرهنگی سیاسی و اقتصادی جامعه. همچنین، بی‌توجهی به مسئولیت‌های اجتماعی نظیر فریضه واجب امر به معروف و نهی از منکر و غفلت از تلاش فرهنگی دشمنان نظیر جنگ نرم» (شرکت‌کننده ۵).

«مهم‌ترین عامل در گریز از تربیت دینی، آموزش بد، سوءاستفاده شخصی از دین، تعصب و... است. از موارد دیگر می‌توان دزدگی یا ایجاد بدبینی خاص (به هر دلیل که باشد) را نام برد» (شرکت‌کننده ۶).

«موارد آسیب‌زننده برای جامعه دینی عبارتند از دفاع نادرست از ارزش‌های دینی ما که باید چگونگی دفاع از دین را هم از خود دین و سخنگویان واقعی دین یاد بگیریم، مردم را به اشتباه انداختن، عمل کسانی که فقط عنوان تدین و دینداری را با خود یدک می‌کشند» (شرکت‌کننده ۹).

«از عواملی که باعث به‌وجود آمدن جامعه تربیت‌گریز دینی می‌شود، تبلیغات منفی از سوی دشمنان و همچنین بی‌توجهی به آموزه‌های دینی است» (شرکت‌کننده ۷).

«پیمان‌شکنی، ترک سنت‌های اخلاقی و دینی و کناره‌گیری از اجتماع، بعضی از عوامل مؤثر در گریز فرد از جامعه دینی محسوب می‌شوند» (شرکت‌کننده ۸).

«معضلات جامعه‌پذیری دینی چنین بیان می‌شود: از دیدگاه کلان، هر جامعه‌ای متشکل از افراد و گروه‌های انسانی است که در آن جامعه زندگی می‌کنند. هر فرد نیازهایی دارد که برای رفع آن‌ها، زندگی در جمع را بر زندگی منفرد ترجیح داده و قوانین و آداب جامعه خود را پذیرفته است» (شرکت‌کننده ۶).

بنابراین، عوامل مؤثر بر تربیت‌گریزی دینی جامعه به‌طور خلاصه چنین است:

جدول ۴: عوامل مؤثر بر تربیت گریزی دینی جامعه

ردیف	عوامل مؤثر بر تربیت گریزی دینی جامعه
۱	سستی بنیان دینی خانواده
۲	ضعف آموزش های مدرسه
۳	اثرپذیری منفی از گروه همسالان
۴	تبلیغات ضد دینی رسانه ای
۵	تهاجم فرهنگی
۶	حکومت داری برخلاف سجایای دینی و اخلاقی
۷	ضعف عدالت در جامعه
۸	شیوع فقر در جامعه
۹	دلزدگی و بدبینی به دین در جامعه
۱۰	عدم توجه کافی به اصل امریه معروف و نهی از منکر

پرسش پنجم پژوهش: برای ارتقای جامعه دینی تربیت پذیر، چه راهکارهایی را می توان به کار گرفت؟

تحلیل داده های پژوهش نشان می دهد شیوه های مختلفی را می توان برای ارتقای جامعه دینی تربیت پذیر به کار گرفت؛ از جمله تقویت بنیان دینی و اخلاقی خانواده، بهبود آموزش های دینی و اخلاقی مدرسه ای و الگوسازی هنجارهای دینی و اخلاقی با بهره گیری از رسانه ها. همچنین، هماهنگی عملکرد مسئولان جامعه با آموزه های دینی و اخلاقی، توسعه عدالت اجتماعی و مقابله با تهاجمات فرهنگی و ضد دینی از دیگر راهکارهاست. شرکت کنندگان در این باره چنین گفته اند:

«اگر مسئولان جامعه برخلاف شعارهای دینی خود عمل کنند، به عامل مهمی در گریز از دین تبدیل می شوند. اگر جامعه دینی علم زده شود و علوم خود را از جوامع دیگر بگیرد، دچار دین گریزی می شود. ضعف در تربیت دینی فرزندان در خانواده ها و مراکز آموزشی، اقتصاد نامناسب (مخصوصاً اگر دین را پایه اقتصاد جامعه قرار دهند و موفق نشوند)، تبلیغات گسترده ضد دین از سوی رسانه های داخلی یا خارجی، از عوامل مهم دین گریزی به شمار می رود» (شرکت کننده ۱).





«اسلام در دوره‌ای که خرافات شیوع یافته بود، به جای خرافات، واقعیت‌های هستی و هستی‌شناسی درست را تبیین کرد؛ به گونه‌ای که فرد بعد از آشنایی با تفکر دینی و پذیرش آن، در زمینه‌های نظامی، خانواده، بازار و... با برنامه‌های مدون دینی روبه‌رو می‌شود» (شرکت‌کننده ۲).

«به اعتقاد مسلمانان، اسلام تمام دستورات لازم را برای تربیت بشر ارائه کرده است. یکی از القاب خداوند «رب» است و بیشتر دعاهای ما با «ربنا» شروع می‌شود که به معنای درخواست تربیت از خداوند است. پس، در اسلام، مفاهیم عالی برای تربیت وجود دارد و ما برای تربیت اسلامی جامعه ابتدا باید مفاهیم را درست بیان کنیم و در مرحله بعد، عواملی که انسان‌ها را به مخالفت با این مفاهیم درست وامی‌دارد در حد امکان کم کنیم؛ عواملی مثل فساد، فحشا و گناهان دیگر. مقابله با این عوامل، خود، راه حل مسئله دین‌گریزی و موجب علو تربیت اسلامی است. تبیین راه‌های متنوع برای این مسئله به بحث مفصلی نیاز دارد» (شرکت‌کننده ۳).

«برای ارتقای جامعه دینی تربیت پذیر راهکارهایی را می‌توان از آموزه‌های اسلامی اقتباس کرد: توجه ویژه به خانواده از حیث ازدواج و تربیت فرزندان بر مبنای احکام و آموزه‌های دینی، تقویت اقتدار حکومت اسلامی در اجرای احکام دینی، جلوگیری از تهاجمات ضد دینی اعم از جنگ‌های نرم و نظامی علیه فرهنگ کشور» (شرکت‌کننده ۴).

«به نظر بنده، رجوع به اصل اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بهترین روش در ایجاد و ارتقای جامعه با سمت و سوی تربیت‌پذیری دینی است. روش‌هایی که شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تبلیغ دین مبین اسلام به کار می‌بردند و حضرت علی عَلِيٌّ و سایر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و بزرگان در اوامرشان به کار می‌بستند بهترین الگو در این زمینه است. مثال‌های فراوانی از این دست وجود دارد؛ برای نمونه: کونوا دعاة الناس الى الله بغير السنتكم» (شرکت‌کننده ۶).

«اجرای صحیح آموزه‌های دینی راهکاری است برای ارتقای جامعه دینی تربیت‌پذیر» (شرکت‌کننده ۷).

«اخلاص در عمل، نیت، توفیق خداوندی، امید به خدا، علم خدا، شناخت خدا، عبادت و اطاعت خدا، ترس از خدا، حسن ظن به خدا، توکل و یاد خدا (با نماز و قرآن)،

عمل به دستورات حق تعالی، برگزاری نماز جماعت، دعا و خواستن از خداوند، اقرار به گناه و توبه و شهداگونه زیستن از عواملی است که باعث ارتقای جامعه دینی تربیت پذیر می شود» (شرکت کننده ۸).

«دین را نمی شود با زور به افراد جامعه تحمیل کرد؛ زیرا این کار موجب نفاق در آن جامعه دینی خواهد شد. ریشه دین در کلمه «محبت» است. امام صادق علیه السلام می فرمایند: هَلْ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ؟ دین، عبارت از محبت و کینه است؛ از یک سو، محبت به خوبان و مظلومان و انسان هایی که مورد جفای شیطان ها قرار گرفته اند و از سوی دیگر بغض و کینه به شیطان ها و موجودات پلید و پلیدی ها و کسانی که انسان و انسانیت و خدا نزد آنها بیهوده است. این هم جزو دین است» (شرکت کننده ۹).

در مجموع می توان راهکارهای ارتقای جامعه تربیت پذیر دینی را به طور خلاصه چنین بیان کرد:

جدول ۵: راهکارهای ارتقای جامعه دینی تربیت پذیر

ردیف	نهاد مسئول	راهکارها
۱	خانواده	تقویت بنیان دینی و اخلاقی افراد خانواده کارآمدتر شدن آموزش های دینی و اخلاقی مدرسه ای
		الگوسازی هنجارهای دینی و اخلاقی به وسیله رسانه ها
	حکومت	هماهنگی عملکرد مسئولان جامعه با آموزه های دینی و اخلاقی
۲		تقویت اقتصاد جامعه و مبارزه با فقر
		توسعه عدالت اجتماعی
		مقابله با فساد و گناهان کبیره
		مقابله با تهاجمات فرهنگی و ضد دینی
		گسترش ازدواج شرعی میان جوانان
		ارتقای سلامت جسمی و روانی افراد جامعه
		ترویج اصل امر به معروف و نهی از منکر



نتیجه

پژوهش حاضر نشان داد «جامعه‌پذیری دینی» فرآیندی است که با انتقال درست آموزه‌ها و تربیت دینی، انتخاب درونی در پذیرش ارزش‌های دینی، تحول سبک زندگی به سبک دینی و نهادینه‌شدن سجایای اخلاقی و دینی در جامعه محقق می‌شود. در این میان، هماهنگی رفتار افراد جامعه با آموزه‌های دینی، حفظ و نگهداری آموزه‌های دینی، انتقال آموزه‌های اخلاقی و دینی به نسل آینده و همچنین نهادینه‌شدن آموزه‌های دینی در خانواده، حکومت و کل جامعه به تقویت چنین جامعه‌ای کمک می‌کند.

یکی از ابزارهای اساسی که جامعه دینی از آن برای انتقال ارزش‌ها استفاده می‌کند، نهاد آموزش است. آموزش جامعه‌پذیری دینی، روشی آشکار است؛ یعنی روشی است که افراد به طور مستقیم در فرآیندی رسمی، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی را فرامی‌گیرند. بقای هر جامعه‌ای، از جمله جامعه دینی، در گرو آن است که اعضای آن جامعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و گرایش‌های موجود در جامعه خود را با ایجاد هماهنگی میان نظام‌ها و نهادهای جامعه درونی کنند و به نسل‌های بعد انتقال دهند. در این میان، باید توجه داشت که موضوع تربیت در دوره کودکی - با در نظر گرفتن مسئولیت خطیر خانواده در این دوره منشأ مراحل بعدی تربیت‌پذیری در انسان است.

«جامعه تربیت‌گریز دینی» زمانی شکل می‌گیرد که در جامعه بی‌سامانی ارزشی رخ دهد. این امر موجب سرگردانی ارزشی و هنجاری افراد جامعه می‌شود. تعارض ارزشی میان نهادهایی که مسئولیت جامعه‌پذیر کردن افراد را بر عهده دارند، انتقال ارزش‌ها و هنجارهای دینی را مختل می‌کند و نوعی بی‌توجهی به ارزش‌ها و هنجارها را در جامعه پدیدار می‌کند. در این وضعیت، دین، نه تنها دیگر قادر به یکپارچه کردن بخش‌های مختلف جامعه نیست، بلکه از یکپارچه کردن تجربیات افراد نیز باز می‌ماند در نتیجه، جامعه‌پذیری دینی افراد هم به سختی می‌تواند نتایج مطلوبی ایجاد کند. پیامد این وضعیت در جامعه دینی، ناکامی کارگزاران در انتقال ارزش‌ها، رفتارها و گرایش‌ها به نسل‌های بعدی است.



در تبیین نتایج و جمع‌بندی این پژوهش می‌توان گفت هدف تربیت در جامعه تربیت‌پذیر اسلامی، انسان بارآوردن افراد و رشد همه‌جانبه آن‌هاست. اسلام به تربیت همه‌جانبه فرد تأکید دارد. تربیت فرآیندی است که در سراسر عمر انسان اتفاق می‌افتد و جنبه تکاملی دارد؛ بدین معنا که هر چه مراحل تربیت پیش‌تر می‌رود، فرد شکوفاتر می‌شود. منظور از تعلیم و تربیت اسلامی، تربیت کل وجود انسان است؛ تربیتی که بر اساس اصول و مبانی محکمی استوار است و تمام ابعاد شخصیت آدمی را در نظر گرفته است. هدف تربیت اسلامی کمک به رشد همه‌جانبه انسان (فردی، اجتماعی، عقلانی، جسمی، روحی، اخلاقی و دینی) است. از ویژگی‌های تربیت اسلامی آن است که در تمام کوشش‌های انسان، یک مسیر را دنبال می‌کند و آن رساندن آدمی به مقام عبادت و بندگی خداست. هدف غایی تربیت اسلامی برپایه شناخت خود و پیرامون، تربیت دینی، علم و حکمت استوار است.

بنابراین، در تربیت اسلامی، اسلام تمام جوانب وجود انسان را در نظر می‌گیرد: در جنبه فردی، فرد را قابل رشد و آموزش و تربیت می‌داند و برای او آزادی و اختیار و قدرت فکری و عقلانی قائل است؛ در عین حال، اسلام به هدایت جامعه، قوم و ملت می‌پردازد و در حیات اجتماعی نیز نحوه زندگی مردم را بر محور اصول معین تنظیم می‌کند (احمدی، ۱۳۸۵). اسلام به دلیل اهمیت نقش جامعه در حیات افراد، پیامبران را فرستاد تا با ارائه دستورالعمل‌های سودمند، هم برای حیات فردی انسان و هم برای حیات جمعی او برنامه‌ریزی کند.

در مجموع می‌توان گفت جامعه دینی برای استمرار و بقای خود، ارزش‌ها و هنجارها را به نسل بعد منتقل می‌کند. خانواده، مدرسه، همسالان، رسانه‌ها و عملکرد مسئولان حکومتی از عوامل اصلی تربیت‌پذیری دینی افراد جامعه هستند. همچنین، ارتقای یک جامعه دینی در گرو تحقق عوامل زیر است: تقویت بنیان دینی و اخلاقی خانواده، مؤثرتر شدن آموزش‌های مدرسه‌ای، الگوسازی هنجارهای دینی و اخلاقی به کمک رسانه‌ها، هماهنگی عملکرد مسئولان جامعه با آموزه‌های دینی و اخلاقی و توسعه عدالت اجتماعی در میان آحاد جامعه.



منابع

۱. باقری، خسرو (۱۳۷۴)؛ *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*؛ تهران: وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۲. احمدی، سید احمد (۱۳۸۵)؛ *اصول و روش‌های تربیت در اسلام*؛ اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۰)؛ *جامعه‌شناسی دین در شرق باستان*؛ چ ۲، تهران: بهمن برنا.
۴. توسلی، غلام‌عباس و ابوالفضل مرشدی (۱۳۸۵)؛ «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان امیرکبیر»؛ *نامه جامعه‌شناسی ایران*؛ دوره ۷، ش ۴، صفحات ۹۶ تا ۱۱۸.
۵. دورکیم، امیل (۱۳۸۳)؛ *صورابتدایی حیات دینی*؛ ترجمه نادر سالارزاده؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. زنگنه، محمد (۱۳۸۸)؛ «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان»؛ *پژوهش‌نامه فرهنگی*؛ سال هشتم، ش ۷، ص ۳۰ تا ۳۶.
۷. سراج‌زاده، حسین و محمدصدیق محمدی (۱۳۹۰)؛ «مقایسه تجربی دینداری از نظر روحانیون و دانشگاهیان»؛ *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*؛ دوره ۴، ش ۴، ص ۲۵ تا ۵۴.
۸. سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۷۵)؛ *بررسی رابطه دین‌داری و بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران*؛ تهران: اداره کل آموزش و پرورش استان تهران.
۹. شاملی، عباسعلی (۱۳۸۱)؛ «درآمدی مفهوم‌شناختی در قلمرو تربیت دینی»؛ *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*؛ ش ۳۲، ص ۴ تا ۳۲.
۱۰. صدوقی، مجید (۱۳۸۷)؛ «معیارهای ویژه ارزیابی پژوهش کیفی»؛ *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*؛ سال ۱۴، ش ۵۶، ص ۵۵ تا ۷۲.
۱۱. فرمهینی فراهانی، محسن (۱۳۹۰)؛ *تربیت در نهج البلاغه*؛ تهران: آبیژ.
۱۲. قوام، میرعظیم (۱۳۸۶)؛ *اصول و روش‌های تربیت از منظر قرآن کریم*؛ تهران: جمال‌الحق.



۱۳. غیاث‌وند، احمد (۱۳۸۶)؛ «بررسی وضعیت رفتارهای دینی در بین دانشجویان»؛ فصلنامه مطالعات ملی؛ سال ۸، ش ۲، ص ۱ تا ۲۰.
۱۴. فروتن، یعقوب (۱۳۹۲)؛ «استراتژی جامعه‌پذیری دینی در ایران»؛ فصلنامه مطالعات ملی؛ سال ۱۴، ش ۵۳، ص ۷۳ تا ۹۶.
۱۵. کیان، مریم (۱۳۹۴)؛ «تبیین ابعاد تربیت کودک در نظام خانواده از دیدگاه اسلام»؛ فصلنامه اخلاق؛ ش ۲ (۱۸)، ص ۹ تا ۳۵.
۱۶. گنجی، محمد (۱۳۸۳)؛ «تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ شده)، دانشگاه اصفهان.
۱۷. محمدی، بیوک (۱۳۸۷)؛ درآمدی بر روش تحقیق کیفی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

